



روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان

محمود طاهر آبادی



کمتر پادشاهی مانند ناصرالدین شاه دست به قلم برده و علاوه بر خاطرات روزانه‌ای که از سفرهای داخلی و خارجی خود تهیه نموده حتی به نقل وقایع زندگی خود در تهران و سفرهای کوتاه خارج شهر و شکارهایش پرداخته است. به عبارت دیگر وی علاقه وافری داشته که زندگانی خود را روز به روز یادداشت نموده و چون بخشی از خاطرات روزانه اش مصادف با سفرهای متعدد داخلی و خارجی او شده است این قسمت از خاطرات یعنی یادداشتهایی که در روزهای سفر انجام یافته، نام سفرنامه به خود گرفته است.

به گفته مسعود میرزا ظل السلطان: «قوت قلم غربیی داشتند.

شاید پنج جلد به قطر روضة الصفا به خط مبارک خودشان جزئیات زندگانی خود را چه رسمی و چه غیر رسمی مرقوم فرموده اند، چه به خط فرانسه و چه به خط ایران. چندین سفرنامه به قدر ده جلد تاریخ رسمی خودشان را به خط مبارک خودشان نوشته اند» (ر. ک: تاریخ سرگذشت مسعودی، ص ۱۹۲، س ۵).

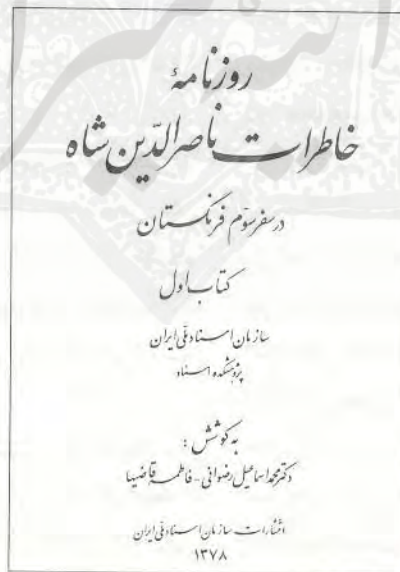
البته بررسیهای به عمل آمده نشان می دهد که آنطور که ظل السلطان نوشته همه این یادداشت ها در تمامی مجلدات به خط ناصرالدین شاه نیست، هر چند که بیشتر آنها به خط خود اوست. مع ذلک سلسله خاطراتش که در سالهای سفر اول و دوم او به فرنگ انجام گرفته به خط اوست. اما یادداشتهای مربوط به سفر سوم یعنی کتاب سه جلدی مورد نظر در

هر فصل را به خط خود آغاز می کرده، چند سطری می نوشته آنگاه به تقریر خاطرات می پرداخته و منشیان خوشنویس متعدد وی، نوبت به نوبت تقریراتش را تحریر نمودند.

وی منظره جالبی از نحوه تحریر خاطرات در آغاز همین کتاب یا سفرنامه را با خط خود ارائه داده است:

«امشب که شب ۱۴ شهر رجب [۱۳۰۶] است، یک ساعت و چیزی بالا از شب رفته است و سه روز به عید نوروز یعنی تحویل حمل مانده است و اواخر حوت است. در اطاق تالار برلیان این کتابچه را به دست گرفته شروع کردیم. ان شاءالله تعالی به خواست خدا و توجه ائمه هدی این روزنامه هم در نهایت خوبی و خرمی به سلامتی دوستان و محبان و خودمان به انجام می رسانیم. باشی قلمدان نگاهداشته است - اکبری لاله - امین خلوت کتابچه روزنامه کهنه در دست و مستعد نوشتن این کتابچه - اعتماد السلطنه روزنامه فرنگی در دست منتظر خواندن و میرزا محمدخان برای او لاله نگاهداشتن - مجدالدوله، ابوالحسن خان، مردک، محمدعلی خان، محمدحسن میرزا، ادیب، جوجه، کریمخان، آقاداتی، تقی خان آب در دست ایستاده».

همان طور که گفته شد قسمت عمده متن این سفرنامه به خط ناصرالدین شاه نیست بلکه به خط دیگران است که از نظر کمیت تقدم با امین خلوت می باشد. محرر دیگر میرزا ابوالقاسم خان ناصرالملک بوده که بخش عمده آخر کتاب به خط اوست.



روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم
فرنگستان (جلد ۳)
به کوشش: دکتر محمداسماعیل رضوانی و
فاطمه قاضیها
انتشارات سازمان اسناد ملی ایران

در میان این دو محرر اصلی محررین دیگر عبارتند از خود شاه که هر بار بیش از چند سطر یا حداکثر یکی دو صفحه تحریر نمی کرده است؛ بعد فخرالدوله دختر ادیب و ناکام او؛ محرر دیگر ابوالحسن خان و پس از او محمدباقرخان ادیب الملک بوده است.

بسیار اتفاق افتاده که یک صفحه را دو محرر نوشته است یا دو صفحه را محرری تحریر کرده سپس خامه به دست دیگری داده و یک یا دو صفحه بعد باز خود شروع به تحریر کرده است. (ر. ک: ج ۱، ص ۳۸۹ - ۴۰۴).

مطلب دیگری که از این سفرنامه به دست می آید آنکه ناصرالدین شاه خاطرات خویش را در ساعت معین یا روز معین تقریر نمی کرده است، زیرا برنامه کارهای روزانه او بخصوص در ماههای مسافرت، آن هم مسافرت به خارج، چنان فشرده بوده که گاهی چندین روز فرصت انجام این کار را نداشته است و چه بسا که کار خاطره نویسی هر چند روز یک بار انجام می گرفته است؛ بدین معنی که هر وقت فراغتی حاصل می کرده، خاطرات چند روزه خود را به ترتیب تاریخ تقریر می نموده است. شگفت اینکه گاهی خاطراتش را قبل از وقوع واقعه بیان می داشته، مثلاً هنگام توقف در مسکو یک روز برنامه کار این بوده است که ابتدا عکسی بیندازد، سپس از موزه دیدن کند؛ اما قبل از این که هر دو کار صورت یابد به نوشتن پرداخته است و از همه جالب تر اینکه خودش هم به این نوع خاطره نویسی اعتراف کرده است. بهتر آن است که قلم به دست خود او دهیم. وی در خاطرات روز چهارشنبه ۲۱ رمضان ۱۳۰۶ می نویسد:

«نماز خوانده در کرملین، بعد عکس انداخته، از آنجا رفتیم به موزه، گردش کردیم؛ اما حالا که این روزنامه را ابوالحسن خان می نویسد هنوز نه عکس انداخته ایم نه موزه رفته ایم از بس فرصت نداریم مساعده روزنامه را می نویسم شاید یا هیچ عکس هم نیندازیم یا موزه را هم نبینیم. قبل از وقت است که این روزنامه را می نویسم» (ر. ک: ج ۱، ص ۱۳۸).

سفر سوم ناصرالدین شاه از ظهر روز شنبه دوازدهم شعبان ۱۳۰۶ ه. ص. ق آغاز شده است. وی در این روز و در این ساعت از باغ عشرت آباد به باغ شاه رفته و ناهار را در آن جا خورده، سپس به راه افتاده؛ اما یادداشتها را سه قسمت کرده هر یک را «کتاب» نامیده است: کتاب اول، کتاب ثانی، کتاب ثالث و این تقسیم بندی توسط کوششگران به همین شکل انجام پذیرفته و تحت عناوین کتاب (جلد) اول، کتاب (جلد) دوم و کتاب (جلد) سوم تصحیح و تدوین یافته است. بدین ترتیب کتاب اول از تاریخ ۱۳ رجب ۱۳۰۶

از تهران آغاز و در تاریخ بیست و سوم شوال در آنورس بلژیک پایان می یابد.

وی در این فاصله از تهران به کرج و قزوین و از آنجا به آذربایجان عزیمت می نماید و پس از عبور از رود ارس وارد قفقاز و روسیه تزاری می گردد. پس از آن لهستان، آلمان، هلند، بلژیک مورد بازدید قرار گرفته و خاطرات بازدید و اقامت در این شهرها و ممالک و راهها و... روز به روز به رشته تحریر در می آید.

آنچه که جلد اول را از جلد دوم و سوم متمایز می سازد فهرست اشیای خریداری شده است که صفحات ۲۹۳ الی ۳۴۰ این کتاب را در بر می گیرد. در این قسمت، کلیه اشیایی که توسط ناصرالدین شاه خریداری گردیده و یا به وی اهدا شده و نام محل خرید و شخص اهدا کننده در آن درج گردیده است.

کتاب یا جلد دوم در میان این سه کتاب مهم تر و پر بارتر است. کتاب دوم داستان سفر ناصرالدین شاه به انگلستان است؛ انگلستانی که در قرن نوزدهم یکه تاز عرصه سیاست گیتی بود و جهان آن روز بازبچه نبوغ سیاسی زمامداران آن قرار گرفته بود. به قول خودشان آفتاب در کشورشان غروب نمی کرد و ملکه ویکتوریا پادشاه انگلستان و امپراطور هندوستان و کشورهای ماورای بحار مقتدرترین و متنفذترین فرمانروایان آن روز جهان به شمار می رفت و کسی را یارای همسری و برابری و رقابت با او نبود. بنابراین ناصرالدین شاه در این سفر با احتیاط بیشتری قدم برداشته و مطالبی را که تقریر کرده دقیق تر، مؤدب تر و محتاطانه تر است.

مهمانیها و ضیافتهایی که از سوی سرمایه داران انگلیسی از وی به عمل آمده فراوان است؛ مهمانیهایی که یک نوع سرمایه گذاری مقدماتی است برای بهره برداری از ذخایر ایران زمین. بازدید از کارخانه ها و از کانونهای تولیدی بیشتر است. سعی می شود شاه به انواع و اقسام صنایع اعم از صنایع جنگی و غیرجنگی از توپهای عظیم گرفته تا چاقوهای را جز آشنا گردد تا از یک سو مرعوب گردیده و خود را ناچیز و حقیر ببابد و از سویی به خرید آنها راغب گردد و از این راه بازاریابی شود. به هر حال این سفرنامه کتابی است سودمند و دورنمایی است از آن دور و زمان که تاریخ معاصر ایران را بارور می کند و نیروی تدبیر و اندیشه کسانی که دست اندر کار اداره امور کشورند وسعت می بخشد و صفحه ای از آیین مملکت داری را در جهان مادی غرب به روی آنان می گشاید.

نکته جالبی که در این سفر به چشم می خورد آن است که شاه در تدوین و تحریر این سفرنامه تنها نیست. از متن سفرنامه و

از گزارش‌های دقیق و تاریخچه‌های مبسوطی که در آن وجود دارد پیداست که تعدادی از همراهان از قبیل ناصرالملک و اعتمادالسلطنه و امثالهم برای تهیه بعضی از مطالب مأموریت داشته‌اند؛ از آن جمله ذکر اسامی رجال بزرگ استقبال کننده و دیپلمات‌های مدعو در ضیافتها، مثلاً در یادداشت‌های روز یکشنبه ۱۳ ذیحجه فهرست اسامی دولتمردانی را که در شهریار به حضور رسیده‌اند با تفصیل در بیش از یک صفحه کتاب ارائه می‌دهد که بعید است اسامی فرنگی تا این حد در ذهن و حافظه شاه جایگزین شود که به صورت فهرست ارائه نماید. (ر. ک: ج ۲، صص ۳۴۱-۳۴۲).



نمونه دستخط ناصرالدین شاه، مربوط به خاطرات روز یکشنبه ۱۷ رمضان

می‌شود به نقل خاطرات خود از آذربایجان تا تهران می‌پردازد. با اینکه خاطرات سفر فرنگستان در ص ۱۳۸ کتاب به پایان می‌رسد ولی از جهت آنکه دفتر خاطرات ناصرالدین شاه ناتمام رها نشود کوششگران به تصحیح دنباله خاطرات تا هفدهم صفر ۱۳۰۹ که پایان دفتر است ادامه داده و به نقل خاطرات وی در تهران و دوشان تپه، شهرستانک، سوهانک، شکار، جشن آتش‌پزان و امثالهم پرداخته‌اند.

جلد سوم این کتاب علاوه بر خلاصه مندرجات و فهرست اسناد، نمونه اسناد ... و... افزون بر دو جلد قبلی، دارای واژه‌نامه‌ای است از مجموع لغات هر سه جلد؛ لغاتی که در آن روزها مصطلح بوده

ولی در این دوره مهجور مانده است یا اصطلاحات و لغات فرنگی که به فارسی نوشته شده و معنی آن روشن نبوده است.

متأسفانه تمام یادداشتهای بیان یک سلسله رویدادهای نمادی و معمولی است. همواره سخن از خوبی و یا بدی هوا، آمدن یا نیامدن باران، برف و بوران، باد و طوفان، جلوه‌گری گلها، جست و خیز در کوهها و غیره است. یادداشتهای او در گشت و گذار در کشورهای اروپایی نیز بیان شکوه و جلال کاخها یا کارخانه‌ها، شگفتیهای صنعت، وضعیت بانوان در مهمانیها و ضیافتها می‌باشد، اما در سراسر این یادداشتهای سخنی از امور مملکت‌داری و معضلات و مشکلاتی که گریبانگر خود او و کشورش بوده است نیست.

در اینجا باید متذکر شد که شرح حال ۱۴۱ نفر از همراهان او چه در سفر و چه در حضر و بعضی از افرادی که نامشان در این خاطرات آمده است در انتهای جلد اول (صص ۳۴۳-۳۸۶) به صورت مختصر ذکر شده و بعضی دیگر نیز به صورت زیرنویس در جلد دوم و سوم درج شده است.

انتشار این مجموعه یکی از کارهای ارزنده و سودمندی است که از طرف سازمان اسناد ملی ایران به جامعه فرهنگی کشور ارائه گردیده است و پژوهندگان آن نهایت دقت و اهتمام خود را جهت تصحیح و تدوین این سه جلد به کار بسته‌اند.

با تمام این احوال، نباید سهم شاه را در نگارش این یادداشتهای دست کم گرفت. بدون تردید سوای مطالب مذکور بقیه سفرنامه تقریر خود اوست. ذیل وقایع یکشنبه ۲۸ ذیحجه بعد از بازگشت از مهمانی سفارت ایران می‌نویسد:

«برخاسته آمدم منزل، یک ساعت به نصف شب داشتیم که آمدم منزل. روزنامه‌های ما عقب افتاده بود. امین خلوت را آوردیم بیچاره نشست تا یک ساعت از شب رفته‌هی ما گفتیم و هی امین خلوت نوشت.»

به هر حال جلد دوم این سفرنامه با بازدید از بروکسل در ۲۴ شوال ۱۳۰۶ آغاز شده و پس از سفر به انگلستان، فرانسه، آلمان و اتریش در تاریخ ۲۸ ذیحجه با اقامت و سیاحت در مجارستان جلد دوم یا به قول ناصرالدین شاه کتاب ثانی پایان می‌پذیرد. تمایز این جلد از جلد اول خلاصه مندرجات مربوط به هر روز می‌باشد که در پنج صفحه درج گردیده است. علاوه بر آن فهرست اسناد نیز آورده شده است.

در جلد سوم نیز پس از آنکه فهرست اسامی شاهزادگان و امرای اطریشی را ارائه می‌دهد به نقل خاطرات خود از روز سه شنبه ۲۹ ذیحجه در بوداپست می‌پردازد و ضمن عبور از لهستان، اتریش، و بازدید مجدد از روسیه و قفقاز از تفلیس و ایروان و غیره عبور کرده و در هفدهم محرم با عبور از ارس به خاک ایران باز می‌گردد و از این روز تا بیست و چهارم صفر که به تهران وارد